



هزاران فرصت شغلی به واسطه این دریاچه ایجاد شده است.

طبیعت بسته خزر، آن را زیستگاه جانوران و گیاهان منحصر به فردی کرده است، اما در عین حال موجب شده تا در مقابل آلودگی‌های کشاورزی و صنعتی و نفتی بسیار آسیب‌پذیر باشد. از منابع مهم دریای خزر ذخایر نفت و گاز موجود در زیر بستر دریا و همچنین انواع ماهیان خاویاری را می‌توان نام برد.

کشورهای ساحلی دریای خزر برای توسعه زیرساخت‌ها، گردشگری و تجارت در این منطقه تلاش می‌کنند. اولین مجمع اقتصادی خزر در ۱۲ آگوست ۲۰۱۹ در ترکمنستان تشکیل شد و نمایندگان قزاقستان، روسیه، آذربایجان، ایران و آن کشور گرد هم آمدند. این کشور میزبان چندین جلسه وزرای اقتصاد و حمل و نقل آنها بود.

رسانه‌های این کشور هشدار داده‌اند که دریای خزر هم ممکن است به سرنوشت فاجعه‌بار دریاچه آرال دچار شود. آرال در مرز قزاقستان و ازبکستان که زمانی چهارمین دریاچه بزرگ جهان بود، در یکی از بدترین فجایع محیط زیستی دوران معاصر، تقریباً به طور کامل خشک شده است.

بر اساس گزارش رسانه‌ها کوچک شدن دریای خزر به شدت روی اکوسیستم و اقتصاد و تجارت دریایی در مناطق اطراف این دریاچه در قزاقستان تاثیر گذاشته است. تغییرات اقلیمی و ساخت سدهای جدید در بستر رودخانه‌هایی که به دریاچه می‌ریزد -از جمله در خاک روسیه- به عنوان دلایل اصلی کاهش سطح آب عنوان شده است.

اخبار و مقالات داخلی

۲۱ مرداد روز جهانی دریای خزر

دریای خزر به عنوان بزرگ‌ترین دریاچه جهان از جنوب به ایران، از جنوب شرقی به ترکمنستان، از شمال غربی به روسیه، از غرب به جمهوری آذربایجان، و از شمال شرقی به قزاقستان می‌رسد.



با توجه به اهمیت دریاچه خزر در سال ۱۳۸۲ (۲۰۰۳)، ۵ کشور ساحلی پیرامون خزر، کنوانسیون منطقه ای **حفاظت از محیط زیست** دریای خزر موسوم به کنوانسیون تهران را امضا کرده و در تاریخ ۱۲ آگوست ۲۰۰۶ برابر با ۲۱ مردادماه ۱۳۸۵ متعهد شدند تا مفاد این معاهده نامه را رعایت کنند. از آن زمان این روز به عنوان یک واقعه مهم زیست محیطی جشن گرفته می‌شود.

دریای خزر از نظر مساحت بزرگترین آب داخلی جهان است و ۴۰ تا ۴۴ درصد کل آبهای دریاچه ای جهان را تشکیل می‌دهد. این دریاچه با وسعت ۶۰۰ هزار و ۳۸۴ کیلومتر مربع است که طول سواحل آن به ۷۰۰۰ کیلومتر می‌رسد. حدود ۱۵ میلیون سکنه کشورهای مجاور دریای خزر درآمد خود را از آن تامین میکند و



مشکلات دریای خزر

فوقانی رودخانه‌های اورال و ولگا (در روسیه) ادامه دارد. در خاک قزاقستان هم نیروگاه‌های آبی زیادی روی رودخانه اورال ساخته شده و ۴۷ واحد تنها در غرب قزاقستان بنا شده است. به عبارت دیگر ما باید مشکل را در کشور خودمان حل کنیم. حجم آب در این رودخانه‌ها که ۸۵ درصد آب خزر را تامین می‌کنند کاهش یافته است. نمی‌توان با قطعیت گفت که چه اتفاقی برای رودخانه‌ها می‌افتد. ولی اگر یک سناریوی آخرالزمانی را در نظر بگیریم، هیچ اتفاق خوبی نخواهد افتاد.»

دریای خزر در مسیر رسیدن به نقطه بدون بازگشت

۳۰ رود منتهی به خزر قبل از رسیدن به دریا محو می‌شوند. از ۱۲۰ رود منتهی به خزر، ۳۰ رود هیچ آبی به خزر ندارد و قبل از رسیدن به خزر محو می‌شود و دلیل آن، این است که در ایران همچنان رویکرد بر توسعه تاسیسات هیدرولیکی و ساخت سد است و ما به شدت در حال مصرف آب هستیم.

داده‌های ماهواره‌ای نشان می‌دهد که روسیه از سال ۱۹۸۲ هیچ سدی بر روی رودهای منتهی به کاسپین احداث نکرده است.

کاهش تراز "دریای خزر"؛ تغییر اقلیم و سدسازی مقصرند

نتایج یک تحقیق جدید، تغییر اقلیم و سد-سازی بر روی رودخانه‌های اورال و ولگا را مقصر اصلی کاهش آب دریای خزر دانسته است.

تصاویر ماهواره‌ای جدید نشان می‌دهد دریای خزر، بزرگ‌ترین دریاچه جهان به سرعت در حال کوچک شدن است. سطح آب دریای خزر در سال‌های اخیر حدود یک متر کاهش یافته و ممکن است تا پایان قرن بیست و یکم ۹ تا ۱۸ متر دیگر کاهش یابد و یک چهارم مساحت خود معادل ۹۳ هزار کیلومتر مربع را از دست بدهد. در دو سال اخیر، حدود ۶۰ سانتی متر عقب‌نشینی در سواحل ایران رخ داده است. در سمت قزاقستان، این عدد چند ده کیلومتر است. افت سطح دریای خزر در سواحل کم‌عمق شمالی آن محسوس‌تر است.

متخصص مدیریت زیست‌بوم‌های تالابی به خبرنگار محیط زیست ایرنا گفته است: پسروی آب دریای خزر و کاهش تراز آن علاوه بر تاثیراتی که بر روی پهنه آبی دریا می‌گذارد، می‌تواند باعث افزایش غلظت نمک آب دریا، توسعه شوره زارها و بیابان‌زایی در سواحل شمالی ایران و دیگر کشورهای حاشیه خزر شود. از طرف دیگر پسروی و کاهش تراز، باعث می‌شود دهانه ورودی تالاب‌های ساحلی در شمال کشور از ساحل دریا فاصله بگیرد در نتیجه سرعت و شدت انتقال آب از تالاب‌های ساحلی به سمت دریا افزایش یابد.

گالینا چرنووا، رئیس موسسه گلوبوس (مرکز ابتکارات بوم‌شناسی و حقوقی) به سایت خبری اینفورم بورو گفت «داده‌های تایید نشده نشان می‌دهد که کاهش سطح آب دریا ادامه خواهد داشت چون علاوه بر چرخه طبیعی آن، در حال حاضر با مشکل تغییرات اقلیمی، کاهش حجم آب رودخانه‌ها، خشکسالی و افزایش تبخیر آبراه‌ها روبرو هستیم. عامل انسانی هم مشکل را تشدید کرده چون ساخت نیروگاه‌های آبی در بخش



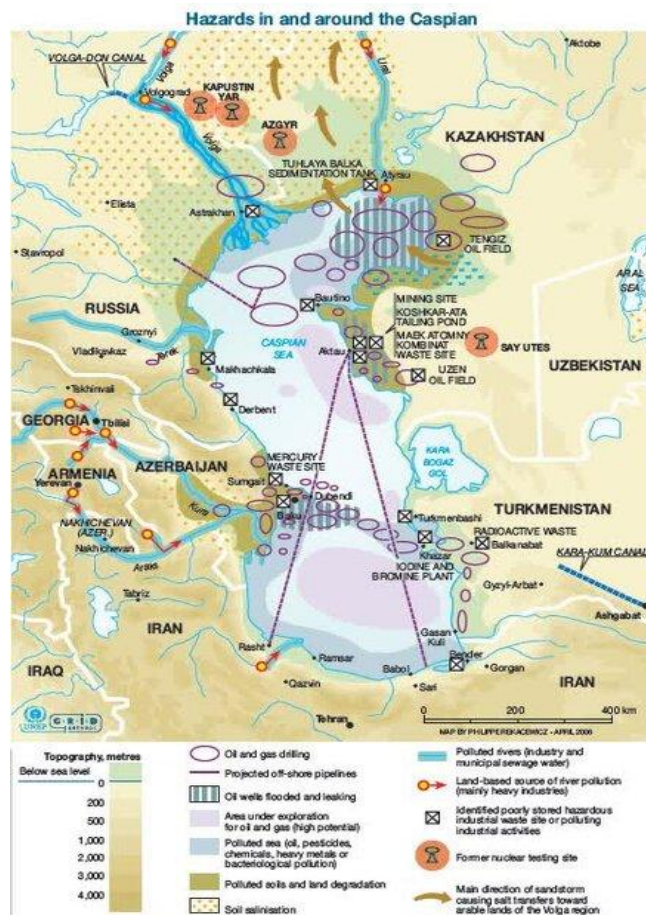
در رابطه با کاهش تراز آب خزر به تازگی تحقیقی توسط موسسه هیدروبیولوژی و اکولوژی قزاقستان انجام شده که نشان می‌دهد کاهش سطح خزر بیشترین تأثیر را بر کشور قزاقستان که کم ارتفاع‌ترین ساحل این دریا محسوب می‌شود، می‌گذارد. ساکنان شهرها و شهرک‌های ساحلی دریای خزر در کشور قزاقستان، تأثیرات فوری کاهش سطح آب را احساس می‌کنند و کاهش سطح دریا باعث مشکلاتی برای کشتی‌ها و توقف فعالیت کارخانه‌های نمک‌زدایی شده است. همچنین در برخی نقاط کشتی‌های مسافربری به دلیل کاهش سطح آب فعالیت خود را متوقف کرده‌اند. بر اساس این تحقیق، علائم اولیه کاهش تراز آب دریای خزر در اواسط دهه 2000 ظاهر شد اما در سال‌های اخیر سرعت کاهش سطح افزایش یافته است، به طوری که تخمین زده می‌شود، میزان کاهش سالانه 23 سانتی‌متر باشد و اکنون سطح دریای خزر به 29 متر کمتر از سطح متوسط دریاها و اقیانوس‌ها رسیده است.

در حالی که دانشمندان همچنان درباره علل کاهش سطح آب در دریای خزر بحث می‌کنند، کارشناسان موسسه هیدروبیولوژی و اکولوژی قزاقستان می‌گویند که تغییرات آب و هوایی و استفاده شدید انسانی از رودخانه‌های ولگا و اورال (دو رودخانه اصلی که در روسیه سرچشمه می‌گیرند و به دریا می‌ریزند)، بر خزر تأثیر می‌گذارد. [حیات وحش ایران](#)

تأثیرات تغییرات آب و هوایی و فعالیت‌های انسانی

محققان می‌گویند: نخستین عامل، تغییرات آب و هوایی جهانی است؛ روزها گرم‌تر می‌شوند و حجم

دریای خزر به عنوان بزرگ‌ترین دریاچه جهان، میان کشورهای آذربایجان، قزاقستان، ایران، روسیه و ترکمنستان تقسیم شده است. این دریا نقشی کلیدی در اقتصاد این کشورها ایفا می‌کند و برای آنها از راه استخراج نفت و گاز، صنایع ماهی‌گیری، کشاورزی و گردشگری تولید ثروت کرده است. خزر که علاوه بر جنبه اقتصادی، از نظر جنبه‌های اجتماعی و محیط زیستی نیز دارای اهمیت بسیار بالایی است، در سال‌های اخیر توسط عواملی مختلفی از جمله آلودگی‌های نفتی، ورود فاضلاب، آلودگی‌های پلاستیکی و... تهدید می‌شود اما در میان همه تهدیدات «کاهش تراز آب» در حال حاضر اصلی‌ترین تهدید این دریا محسوب می‌شود.





الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور جمهوری آذربایجان می‌گوید با ولادیمیر پوتین درباره نگرانی‌هایش از کوچک شدن «فاجعه بار» دریای خزر گفتگو کرده است و دو طرف برای بررسی وضعیت به توافق رسیدند.

به گزارش رویترز، آقای علی‌اف گفت که از پنجره اتاق محل گفتگو، صخره‌هایی را که دو سال پیش زیر آب بودند به آقای پوتین نشان داده است.

آقای علی‌اف گفت که با چشم غیرمسلح هم می‌توانیم شاهد این فاجعه زیست محیطی باشیم و تاکید کرد که باید برای مقابله با آن باید دو جانبه یا پنج جانبه (پنج کشور حاشیه دریای خزر) اقدام کرد.

دریای خزر، بزرگترین دریاچه جهان در میان کشورهای ایران، جمهوری آذربایجان، قزاقستان، روسیه و ترکمنستان قرار دارد. خبرگزاری رویترز می‌گوید که سطح آب این دریاچه در صد سال اخیر نوسان زیادی داشته اما از دهه ۹۰ میلادی تاکنون رو به کاهش بوده است.

بارش کاهش می‌یابد. در کنار آن روسیه سدهای خود را بر روی ولگا و اورال می‌سازد و مقدار زیادی آب را برای نیازهای کشاورزی و صنعتی خود برداشت می‌کند. نتیجتاً در مقابل تغییرات آب و هوا و کاهش بارش‌ها و سدسازی‌های متعدد، رودخانه‌ها نمی‌توانند حجم آب مورد نیاز دریای خزر را جبران کنند.

روند چرخه‌ای؟

در کنار موارد مذکور، برخی دانشمندان ادعا می‌کنند که کاهش جریان آب، نقش اصلی را در کاهش سطح دریای خزر ندارد بلکه این مورد چرخه‌ای است که بارها در طول تاریخ خزر تکرار شده و این دریا روند سینوسی افزایش و کاهش تراز را به صورت یک چرخه داشته است.

تأثیرات بلندمدت

مطالعه‌ای در سال 2020 پیش‌بینی کرد که اگر این روند ادامه یابد، تا سال 2100 سطح دریا 18 متر کاهش خواهد یافت و تقریباً یک چهارم از اندازه فعلی خود را از دست خواهد داد.

وضعیت فعلی و اقدامات انجام شده

مسئله کاهش تراز آب خزر در اجلاس تهران (اجلاسی با حضور 5 کشور حاشیه خزر با موضوع رسیدگی به موارد مختلف این پهنه آبی) مطرح شده و مقامات کشورها کم و بیش پیگیر این موضوع هستند. با این حال، فعالان محیط زیست معتقدند که پاسخ‌های دولت‌های منطقه کافی نیستند و اقدامات بیشتری نیاز است تا بتوان وضعیت را بهبود بخشید.



بیش از ۸۰ درصد منابع آب تجدیدشونده را مصرف کرده‌ایم

حمیدرضا میرزاده، کارشناس محیط زیست:

اتفاقی که امروز در حال وقوع است، مصرف مهم‌ترین سرمایه کشور یعنی آب است. عده‌ای هم معتقدند اصلاً بحران آب وجود ندارد. طبق آمار رسمی بیش از ۸۰ درصد منابع آب تجدیدشونده را مصرف کردیم، عمق چاه‌ها به بیش از صد متر رسیده و به مناطق شور رسیده‌ایم.



ما اولین نسل تاریخ بشر هستیم که بستر خشک کارون را دیدیم.

دیگر هیچ رودخانه دائمی در کشور نداریم و این تجربه نشان می‌دهد که بزرگترین بحران ما آب است. چالش آلودگی هم وجود دارد اما قابل مدیریت است؛ بحران آب چیزی نیست که عده‌ای آن را قبول نکنند. وقتی بعد از هفت هزار سال تاریخ تمدنی به سمتی رفتیم که آب شور دریا را شیرین کنیم و به وسط کویر ببریم، یعنی بحران داریم.

سایت امتداد

آلودگی با گاز «ازن» در تهران/ هوا در وضعیت «نارنجی»

گزارش روزنامه دنیای اقتصاد از وضعیت هوای تهران، حاکی است، هفته گذشته بعد از رکوردزنی «آلودگی گاز ازن در آسمان پایتخت»، به دلیل کاهش نسبی دمای هوا، به مدت ۲ روز، آلودگی از جنس ذرات معلق حاکم شد. اما طی ۲ روز گذشته، بار دیگر با افزایش نسبی دمای هوا، غلظت آلاینده «ازن» از حد مجاز فراتر رفت.



هوای تهران آلوده به گاز «ازن» است. با افزایش شدت گرما، سرعت واکنش فتوشیمیایی تولیدکننده گاز ازن، افزایش می‌یابد و باعث انتشار این گاز سمی سرطان‌زا در هوا می‌شود.

شاخص آلودگی طی دو روز گذشته در سطح ۱۲۹ و ۱۰۹ بوده است. در حال حاضر نیز آلودگی در وضعیت «نارنجی» (شاخص بالای ۱۰۰) است.

سایت دنیای اقتصاد



تمامی مراتع ایران از بین خواهند رفت . جنگل‌هایی که هنگام بحران‌هایی چون سیل کمربند دفاعی زمین و برای این سرزمین میراث و هویت و مامن تنفس‌اند. پیرهنی سبز بر قامت ایران که نشان می‌دهد این سرزمین هنوز مشتاق به زندگی است، اگر بگذارند.

سایت امتداد

هزینه‌های داغ تغییر اقلیم

نویسنده: فاطمه لطفی



شاید همه مردم چرایی این گرم شدن را به طور صحیح نتوانند توضیح دهند، اما اثرات آن را به خوبی می‌بینند و اگر در این مورد از آنها سوال کنید، خیلی راحت به شما نشان خواهند داد که گرمایش جهانی چه بلایی بر سر محیط پیرامونی زندگی‌شان آورده است. براساس گزارشی که در انتهای ماه مه توسط سرویس هواشناسی ملی ایالات متحده منتشر شد تا پایان ماه مه، بیش از ۱/۵ میلیارد نفر، معادل تقریباً یک پنجم جمعیت کره زمین، حداقل یک روز را با دمای ۳۹/۴ درجه سانتیگراد تحمل کردند. متخصصان این حوزه هم بیکار ننشسته‌اند. هفته‌ای و ماهی نیست که جدیدترین تحقیقات علمی درباره اثرات گرمایش جهانی بر زندگی روزمره مردم منتشر نشود.

۱۴۰ هزار هکتار از جنگل‌های ایران طی ۱۰ سال در آتش سوخته است..

برای جنگل‌های ایران، عزای عمومی اعلام کنید!

هرکدام از ما، بارها اخباری از سوختن جنگل‌های ایران شنیده‌ایم، اما هرمرتبه مانند بار اول از این خبر سوخته‌ایم . جنگل‌های ایران به چهار منطقه رویشی هیرکانی در کنار دریای خزر، ارسباران، زاگرس، و حاشیه خلیج فارس و عمان تقسیم می‌شوند.

هر ساله این جنگل‌ها با آتش‌سوزی‌های طبیعی و انسانی مواجه هستند. در ده سال گذشته، حدود ۳۰ هزار حادثه آتش‌سوزی در جنگل‌ها و مراتع کشور گزارش شده است.

به‌طور متوسط، سالانه بیش از دو هزار آتش‌سوزی رخ می‌دهد، یعنی تقریباً ۶ مورد در هر روز. این روزها نیز، بیش از هزار و سیصد هکتار از اراضی جنگلی لرستان در حال سوختن است و پس از هفته‌ها آتش‌سوزی، مدیران استان اعلام کرده‌اند که بالگرد اطفای حریق چند روزی است که در منطقه مستقر شده است، اما به دلیل وسعت بی‌سابقه آتش، نیاز به تشکیل کمیته‌ای در سطح دولت و سه قوه برای پیگیری این فاجعه ملی وجود دارد. فرمانده یگان حفاظت منابع طبیعی اظهار کرده است که حدود ۱۸ هزار هکتار از مراتع در آتش سوخته و بیش از ۹۹ درصد این آتش‌سوزی‌ها در جنگل‌های زاگرس رخ داده است . همچنین، در دو سال گذشته هیچ تجهیزات جدیدی برای اطفای حریق تهیه نشده است! فعالان محیط زیست هشدار داده‌اند که با ادامه این روند، در پنجاه سال آینده تمامی جنگل‌ها و در هشتاد سال آینده



خسارات بهداشتی

اخیراً در یکی از مقالات علمی کارشناسان بهداشت هشدار داده بودند که گرمایش جهانی و دمای بالای هوا، احتمالاً در میان کسانی که داروهای روانپزشکی خاصی مصرف می‌کنند، تلفات بیشتری به جا می‌گذارد. به گفته روان‌شناسان در کسانی که لیتیوم مصرف می‌کنند (دارویی که تثبیت کننده خلق و خو است و معمولاً برای درمان اختلال دوقطبی استفاده می‌شود) تعریق شدید به دلیل گرم شدن هوا می‌تواند باعث بالا رفتن غلظت دارو در بدن به سطح سمی و در نتیجه مرگ شود.

پیشتر هم اعلام شده بود برخی داروهای ضدافسردگی احتمال گرمزدگی را افزایش می‌دهند زیرا باعث می‌شوند که شخص مصرف‌کننده دارو خیلی زیاد یا خیلی کم عرق کند. تاثیر گرما بر سلامت روان نیز با سایر عوامل استرس‌زای زندگی تلاقی می‌کند و پیامدهای منفی آن را حتی بیشتر تشدید کند. به گفته انجمن روانپزشکی آمریکا، «افرادی که دچار بیماری روانی هستند اغلب فقیرترند یا گاه هم‌زمان به اختلالات مصرف مواد مبتلا هستند که احتمالاً مقابله یا سازگاری با تغییرات اقلیم را برای آنها چالش‌برانگیزتر کند.»

اما مشکل به همین‌جا ختم نمی‌شود. نظرسنجی اخیر یوگا و نشان می‌دهد ۶۲ درصد از آمریکایی‌ها گفته‌اند که گرما بر روحیه آنها تاثیر می‌گذارد. اکثر پاسخ‌دهندگان در نظرسنجی، دمای بالا را دلیل خستگی، ناامیدی و عصبانیت عنوان کردند. همچنین مطالعات نشان داده‌اند که هوای گرم با افزایش پرخاشگری، خشونت و حتی خودکشی مرتبط است.

اما دقیقاً چه چیزی در گرما وجود دارد که می‌تواند به راحتی هیجانات را افزایش دهد؟
آدام فترمن، روانشناس، سردبیر مجله علمی روانشناسی اجتماعی و مدیر آزمایشگاه شخصیت، احساسات و شناخت اجتماعی در دانشگاه هیوستون، می‌گوید که لزوماً خود گرما نیست که تاثیر منفی بر مغز و بدن می‌گذارد بلکه ناراحتی و درد ناشی از گرماست که مشکل‌آفرین است. فترمن می‌گوید: در مطالعات کلاسیک در مورد پرخاشگری، محققان دست‌های افراد را در آب یخ فرو می‌کردند و نشان می‌دادند که این تجربه دردناک پرخاشگری را افزایش می‌دهد. زمانی که افراد ناراحتی یا درد دارند، احساس ناامیدی کرده حالت جنگ یا گریز خود را فعال می‌کنند. در نتیجه واکنش‌های احساسی بیشتر می‌شود.



به گفته متخصصان، گرما باعث افزایش ضربان قلب شده و بر سطوح انتقال‌دهنده‌های عصبی در مغز و خلق‌وخو تاثیر می‌گذارد. تاثیر گرمای شدید بر سلامت روانی چندوجهی است و انواع شرایط سلامت روان از جمله اضطراب، افسردگی، اختلال دوقطبی و اختلالات مصرف مواد را تشدید می‌کند، چون گرما اختلال خواب را تشدید می‌کند. وقتی افراد نمی‌توانند به درستی



بوده‌اند. براساس گزارشی که مجمع جهانی اقتصاد در ابتدای سال جاری میلادی در مورد تاثیر گرمایش زمین بر سلامت ساکنان کره زمین منتشر کرد، تغییر اقلیم تا سال ۲۰۵۰، باعث ۱۴/۵ میلیون مرگ‌ومیر و ۱۲/۵ تریلیون دلار خسارت اقتصادی در سراسر جهان خواهد شد.

این مجمع تاکید کرده که برای رویارویی با این چالش‌های اقلیمی جدید و کاهش آن، نیاز به یک تحول جامع نظام سلامت و تلاش‌های مشترک جهانی در میان گروه‌ها و صنایع مختلف است. مجمع جهانی اقتصاد پیش‌بینی کرده که سیستم‌های مراقبت‌های بهداشتی به دلیل تاثیرات ناشی از حوادث اقلیمی با ۱/۱ تریلیون دلار بار اضافی مواجه شوند. سیل و خشکسالی به عنوان عوامل اصلی مرگ‌ومیر ناشی از تغییر اقلیم و امواج گرما به عنوان بزرگترین علت خسارات اقتصادی اعلام شده است. همچنین افزایش و گسترش بیماری‌های مرتبط با آب و هوا مانند مالاریا و تب دنگی هم دور از ذهن نیست.

کارشناسان بر این باورند که تا سال ۲۰۵۰ بیش از ۵۰۰ میلیون نفر دیگر احتمالاً در معرض خطر ابتلا به بیماری‌های مرتبط با عوامل اقلیمی باشند و امواج گرما به دلیل کاهش بهره‌وری، با حدود ۷/۱ تریلیون دلار بیشترین خسارت اقتصادی را وارد می‌کنند.

خسارت به دیگر بخش‌های اقتصادی

براساس گزارشی که در ماه ژوئن امسال منتشر شد افزایش دمای هوا احتمالاً باعث می‌شود هواپیمای مجبور به کاهش وزنی شوند که قادر به حمل آن هستند، به این ترتیب تعداد مسافران و بار حمل‌شده را کاهش دهند. کارشناسان دانشگاه هوانوردی-Embry

استراحت کنند، تحمل آن‌ها در برابر استرس کاهش می‌یابد که خود منجر به افزایش احساس تحریک‌پذیری و اضطراب می‌شود. افزایش خستگی حاصل از هوای گرما تمرکز را سخت‌تر و تفکر را کسل‌کننده کرده و باعث کاهش کلی عملکرد ذهنی و ثبات می‌شود.

به طور کلی، فشار اضافی بر سلامت روان می‌تواند افراد آسیب‌پذیر را به سمت کنش‌های شدیدتر سوق دهد. و براساس یک مطالعه جدید، بین سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۷ در ایالات متحده بیش از ۲ میلیون زایمان زودرس قبل از ۳۷ هفتگی و نزدیک به ۶ میلیون زایمان زودرس بین ۳۷ تا ۳۹ هفتگی با امواج گرما مرتبط بوده است. گرمای شدید فشاری فراتر از حد تحمل بر بدن زنان باردار وارد می‌کند که می‌تواند علاوه بر زایمان زودرس، منجر به تولد نوزاد با وزن کم شده یا باعث مرده‌زایی شود. این موارد فقط مثال‌هایی کوچک از تاثیرات بهداشتی امواج گرما بر بخش بهداشت و سلامت است.

براساس تخمینی که سال گذشته در ژورنال نیچر به چاپ رسید، از سال ۲۰۰۰ نزدیک به چهار میلیون نفر در سراسر جهان به دلیل سیل، آتش‌سوزی، امواج گرما، خشکسالی و سایر رویدادهای شدید اقلیمی جان خود را از دست داده‌اند. محققان دریافتند نرخ مرگ و میر در جوامعی که بیشترین آسیب را از تغییر اقلیم دیده‌اند ۲/۸ برابر بیشتر از جوامعی است که کمتر تحت تأثیر قرار گرفته‌اند.

در تحقیقی که در ایالات متحده انجام شده ثابت شده استفاده از خدمات اورژانس در شهرهایی که با یک رویداد اقلیمی مواجه بودند ۲ تا ۲/۵ برابر بیشتر از شهرهایی بوده که کمتر تحت تأثیر چنین رویدادهایی



رفتن مشاغل شوند، رکودی که بر ارزش املاک و ثبات بازار تاثیر می‌گذارد.



در مقابل مناطقی که در بخش‌های مقاوم در برابر اقلیم مانند انرژی‌های تجدیدپذیر یا فناوری سبز سرمایه‌گذاری می‌کنند، احتمالاً شاهد رشد اقتصادی و افزایش تقاضا برای مسکن و در نتیجه افزایش قیمت ملک شوند.

یک مطالعه جدید هم نشان داده که مناطق مختص به ورزش اسکی ایالات متحده از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹ در نتیجه تغییرات اقلیمی انسان‌ساز، ۵ میلیارد دلار درآمد از دست داده‌اند و بسته به میزان کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، احتمالاً در دهه ۲۰۵۰ سالانه حدود ۱ میلیارد دلار ضرر درآمدی داشته باشند.

خسارت تغییر اقلیم بر بخش مسکن

صورت حساب‌های بزرگ‌تری هم در راه است. براساس گزارش اکونومیست، تغییر اقلیم و مبارزه با آن می‌تواند تا سال ۲۰۵۰ حدود ۹ درصد از ارزش مسکن در جهان را کاهش دهد؛ یعنی رقمی معادل ۲۵ تریلیون دلار. این رقم اندکی کمتر از تولید ناخالص داخلی سالانه آمریکاست. این درحالی است که بخش ساختمان و

Riddle می‌گویند هوای گرم رقیق‌تر و چگال‌تر از هوای سردتر است. در نتیجه، هواپیماها در هنگام برخاستن نیروی رانش کمتری تولید می‌کنند، برای اوج‌گیری به سرعت بیشتری نیاز دارند و برای رسیدن به آن سرعت به فضای بیشتری در باند فرودگاه نیاز دارند.

بنابراین تنها راه برای امکان برخاستن در باندهای کوتاه‌تر، کاهش وزن هواپیما با کاهش سوخت، تعداد مسافران یا وزن چمدان‌هاست. اعداد و ارقام از این هم وحشتناک‌تر و رعب‌آورتر می‌شوند. مؤسسه «تحقیقات اثرات اقلیم» پوتسدام آلمان در گزارشی در آوریل امسال نوشت که تا سال ۲۰۵۰ خسارت ناشی از تغییر اقلیم بر کشاورزی، زیرساخت‌ها، بهره‌وری و سلامت به ۳۸ تریلیون دلار خواهد رسید.

براساس همین گزارش تا اواسط قرن حاضر تغییر اقلیم ۱۷ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان را کاهش خواهد داد. مؤسسه پوتسدام می‌نویسد هزینه پیشگیری از این وقایع یک‌ششم هزینه تخمینی خسارات ناشی از گرمایش جهانی خواهد بود. طی ۲۰ سال گذشته، رویدادهای شدید اقلیمی مانند طوفان، سیل و امواج گرما، حدود ۲/۸ تریلیون دلار هزینه بر جا گذاشته‌اند.

بخش بزرگی از این خسارات مربوط به رخداد طوفان است، و در رتبه‌های بعدی امواج گرما با ۱۶ درصد، سیل و خشکسالی هر کدام با ۱۰ درصد و آتش‌سوزی جنگل‌ها با ۲ درصد قرار گرفته‌اند. با ادامه روند کنونی تغییر اقلیم، مناطقی که به شدت به صنایع آسیب‌پذیر در برابر رخدادها مانند کشاورزی یا گردشگری ساحلی وابسته هستند، احتمالاً دچار رکود اقتصادی و از دست



برابر اختلالات ناگهانی در الگوهای زندگی روزمره چه در خانه، چه در محل کار و چه در جوامع است.

براساس آنچه که در وبسایت سازمان ملل متحد آمده بارندگی غیرقابل پیش‌بینی و رویدادهای شدید اقلیمی باعث افزایش رقابت برای به‌دست آوردن غذا و آب می‌شوند. از سویی کاهش تولید کشاورزی منجر به از دست دادن درآمد بخش وسیعی از جامعه می‌شود. خشکسالی، سیل، طوفان و افزایش سطح آب دریاها باعث شده هر ساله بیش از ۲۰ میلیون نفر خانه‌های خود را ترک کرده و به دیگر مناطق نقل مکان کنند. تغییر اقلیم اغلب به‌عنوان یک افزایش‌دهنده تهدید نامیده می‌شود زیرا کمبود منابع را تشدید می‌کند و عوامل اجتماعی، اقتصادی و محیطی موجود را بدتر می‌کند.

یمن، مالی، افغانستان، جمهوری دموکراتیک کنگو و سومالی از جمله کشورهای آسیب‌پذیری هستند که تغییر اقلیم بر میزان آسیب‌پذیری آنها افزوده است.

تغییر اقلیم به ۵ شیوه امنیت جوامع را تهدید می‌کند.

اول رقابت بر سر آب و زمین را تشدید می‌کند؛ زیرا گرم شدن زمین و خشکسالی منجر به فرسایش خاک و کاهش عملکرد محصول شده باعث کمیابی منابع آب می‌شود. این امر خود به ایجاد ناآرامی و تنش بر سر منابع آب و زمین کشاورزی در مالی، سومالی، اردن، ساحل و عراق منجر شده است.

دوم به دلیل کاهش تولید غذا، گرسنگی افزایش می‌یابد. محصولات کشاورزی آسیب می‌بینند و قیمت غذا بالا می‌رود. نابرابری‌های اجتماعی بر دسترسی به مواد غذایی به صورت برابر تاثیر منفی می‌گذارد. **امروزه**

ساخت‌وساز از بزرگترین تولیدکنندگان گازهای گلخانه‌ای است که ۳۷ درصد از انتشار جهانی را به خود اختصاص می‌دهد و ۱۸ درصد از این انتشارات مربوط به خانه‌های مسکونی است. تولید و استفاده از موادی مانند سیمان، فولاد و آلومینیوم ردپای کربن قابل توجهی دارد. یکی از آشکارترین تاثیرات تغییر اقلیم بر بخش مسکن افزایش نرخ بیمه برای املاک واقع در مناطق آسیب‌پذیر است. علاوه بر این نیاز به تعمیر و نگهداری اضافی برای کاهش اثرات تغییر اقلیم بار بیشتری را بر صاحبان خانه وارد می‌کند.

هزینه‌های اجتماعی

امروزه دیگر نمی‌توان انکار کرد که خسارات تغییر اقلیم بر جوامع فقیرتر بیشتر است. آنهایی که بیشتر تحت‌تاثیر تغییر اقلیم هستند فقیرترین‌های ساکنین این سیاره هستند. براساس گزارش مجله فوربز، در هند افزایش هر ۲/۷ درجه سانتی‌گراد دمای هوا، ۶۰۰ میلیون نفر را در معرض خطر قرار می‌دهد. این رقم در نیجریه به ۲۰۰ میلیون نفر می‌رسد. سال گذشته در سیل‌های پاکستان که بی‌ارتباط با تغییرات اقلیم نبود ۸۰ میلیون نفر آواره شدند. مؤسسه مشاوره جهانی مکینزی می‌گوید که اگر چاره‌ای برای تغییر اقلیم اندیشیده نشود تا سال ۲۰۵۰ حدود ۳۰ درصد از سرزمین پاکستان غیرقابل سکونت خواهد بود. کسانی که در انتهای هرم اقتصادی قرار دارند بیشترین آسیب را می‌بینند.

سازمان ملل تاکید دارد که تغییر اقلیم به طور فزاینده‌ای بر امنیت بشر در سراسر جهان تاثیر می‌گذارد. امنیت انسانی به معنای ایمنی در برابر تهدیدات مزمن مانند گرسنگی، بیماری و سرکوب و همچنین محافظت در



نابرابری‌های قبل از وقوع رویدادهای اقلیمی، نقش‌ها و انتظارات مرتبط با جنسیت و دسترسی نابرابر به منابع می‌تواند زنان و دختران را به طور نامتناسبی در تقاطع مناقشه و بحران اقلیم آسیب‌پذیرتر کند.

در سومالی، تغییر الگوی باران به دلیل تغییر اقلیم منجر به کمبود آب شده و در نتیجه نرخ خشونت قبیله‌ای و قتل‌های ناموسی بالا می‌رود، که به‌ویژه به زنان آسیب می‌رساند. نرخ ازدواج زودهنگام افزایش می‌یابد زیرا یکی از راه‌های کنار آمدن خانواده‌ها با مشکلات اقتصادی و معیشتی، ازدواج زودهنگام دختران است. جابه‌جایی‌های اجباری به دلیل رویدادهای اقلیمی میزان خشونت جنسی را افزایش می‌دهد. زنان اغلب مسئول تامین آب و سوخت خانواده‌ها هستند. وقتی زنان و دختران مجبورند برای جست‌وجوی آب از خانه بیرون بروند، در معرض خطر خشونت جنسی قرار می‌گیرند. همچنین توانایی آنها برای یافتن کار با حقوق و همچنین فرصت‌های ادامه تحصیل برای دختران کاهش می‌یابد.

هزینه‌های سیاسی و جنگ

بسیاری از دانشمندان آینده‌ای «نیمه دیستوپایی» با قحطی‌ها، درگیری‌ها و مهاجرت‌های دسته‌جمعی را متصور می‌شوند که ناشی از امواج گرما، آتش‌سوزی‌ها، سیل‌ها و طوفان‌هاست با شدت و فرکانسی بسیار فراتر از آنچه قبلاً رخ داده است. گرتا پکل از دانشگاه تاسمانی پا را از این فراتر گذاشته و می‌گوید: «من فکر می‌کنم در پنج سال آینده به سمت یک اختلال بزرگ اجتماعی-اقتصادی پیش می‌رویم؛ به طوری که تولید غذا مختل خواهد شد.»

حدود ۷۸۲ میلیون نفر با گرسنگی مزمن روبه‌رو هستند. افزایش دمای جهانی به میزان ۲ درجه سانتیگراد، ۱۸۹ میلیون نفر دیگر را هم به گرسنگی سوق می‌دهد. با افزایش ۴ درجه سانتی‌گراد، این رقم می‌تواند به ۱/۸ میلیارد برسد. به عنوان مثال در افغانستان، که حداقل ۱۸/۸ میلیون نفر با ناامنی غذایی مواجه هستند، تغییر اقلیم وضعیت دسترسی به منابع غذایی را بحرانی‌تر کرده است.

سوم، با افزایش اثرات منفی تغییر اقلیم مردم مجبور به مهاجرت‌های دسته‌جمعی می‌شوند، روندی که در پاکستان، جمهوری دموکراتیک کنگو، افغانستان، ماگاسکار و شاخ آفریقا مشاهده می‌شود که میلیون‌ها نفر به دلایل اقلیمی آواره شده‌اند. تغییر اقلیم هر ساله بیش از ۲۰ میلیون نفر را مجبور به ترک محل زندگی خود می‌کند. بخش بزرگی از این آوارگان در کشورهای درحال توسعه ساکن می‌شوند و به دنبال خود ترکیبی کشنده از درگیری، فقر و ناامنی غذایی را به همراه می‌آورند.

چهارم، تغییر اقلیم باعث افزایش فقر و نابرابری می‌شود و به طور نامتناسبی بر فقیرترین و آسیب‌پذیرترین قشر تأثیر می‌گذارد. در فقیرترین کشورها، بخش بزرگی از جمعیت به طور مستقیم به فعالیت‌هایی چون کشاورزی، جنگلداری و شیلات وابسته هستند که بیشترین تأثیر را از تغییر اقلیم می‌بینند. گزارش بانک جهانی تخمین زده که تا سال ۲۰۳۰ حدود ۶۸ تا ۱۳۵ میلیون نفر دیگر به دلیل تغییر اقلیم فقیر خواهند شد.

و پنجم، شاید بسیار مهم‌تر از بقیه موارد، تغییر اقلیم خطرات امنیتی را برای زنان و دختران افزایش می‌دهد.



بود؛ علاوه بر این افزایش سطح آب اقیانوس‌ها منجر به زیر آب رفتن مناطق کم‌ارتفاع از جمله دلتای نیل و شبه‌جزیره فاو (منطقه‌ای باتلاقی در منتهی‌الیه جنوب شرقی عراق میان بصره، آبادان و خلیج فارس) می‌شود که در این مناطق رودخانه‌های اصلی به دریای مدیترانه یا خلیج فارس می‌ریزند.

مسیری که این تحقیقات نشان می‌دهند به‌طور کلی به این شکل است که ابتدا یک رویداد اقلیمی تأثیرات آنی بر منطقه دارد و باعث از دست رفتن محصول یا بیماری مرتبط با اقلیم می‌شود. پس از آن برآیندهای این رویداد اقلیمی باعث به وجود آمدن مسائل جدیدی چون از دست رفتن معیشت مردم و مهاجرت‌های دست‌جمعی می‌شود. بعد از این مراحل است که احتمال رخداد درگیری‌ها وجود دارد. اندیشکده رند بیش از ۲۰۰ مطالعه را بررسی کرده که حداقل تا حدی، مسیرهای غیرمستقیم علت و معلولی را از مخاطرات اقلیمی تا درگیری‌های درون‌کشوری ردیابی کردند.

این بررسی‌ها بر زنجیره‌ای از رویدادهایی متمرکز است که به دنبال یک خطر اقلیمی رخ می‌دهند. با این حال، باید توجه داشت که یک نتیجه مشترک که از این مطالعات متعدد به دست آمده این است که تغییر اقلیم و تاثیر ناشی از آن بر منابع، هیچ‌وقت تنها دلیل یا دلیل کافی برای مهاجرت‌های بزرگ، فقر یا خشونت نیست؛ بلکه همیشه با سایر سیاست‌های اقتصادی و عوامل اجتماعی برای ایجاد اثرات آن همراه می‌شوند. تغییر اقلیم به‌طور کلی به عنوان عامل افزایش‌دهنده تهدید دیده می‌شود تا یک عامل مستقیم درگیری.

برخی از محققان معتقدند که به حاشیه راندن اکولوژیک گروه‌های قومی و توزیع نادرست منابع بین افراد دارا و

گاردین ویکلی اخیراً از ۸۴۳ نفر از اقلیم‌شناسانی که از سال ۲۰۱۸ تاکنون در این زمینه فعالیت داشته‌اند درباره آینده جوامع با رخداد تغییر اقلیم سوال کرده بود. بسیاری از این کارشناسان انتظار دارند که در دهه‌های آینده شاهد ویرانی اقلیمی خواهیم بود. محققى از آفریقای جنوبی که ترجیح داده بود نامش فاش نشود، گفت: «من پیش‌بینی می‌کنم آینده‌ای نیمه دیستوپایی همراه با درد و رنج قابل توجه در انتظار مردم جنوب جهانی باشد. واکنش جهان تا به امروز بسیار بد بوده، ما در عصر احمق‌ها زندگی می‌کنیم».

رند کورپوریشن، اندیشکده سیاستگذاری جهانی غیرانتفاعی آمریکایی، در گزارشی که در انتهای سال ۲۰۲۳ درباره تاثیر رویدادهای اقلیمی بر جنگ‌های داخلی منتشر کرد می‌نویسد: مسیرهای علیّی از خطر رخداد فجایع اقلیم تا درگیری‌های منطقه‌ای متفاوت است، اما اغلب با خطری شروع می‌شود که ناشی از نوعی ناامنی (مانند ناامنی غذایی، معیشتی، فیزیکی یا سلامتی) است، و بعد با تأثیرات اقلیم بر ظرفیت حکومت‌ها و عوامل دیگر ترکیب می‌شود. وقتی برآیند این ترکیب از فیلتر تغلیظ‌انگیزه‌های افراد و گروه‌های مسلح برای بسیج حول طمع برای قدرت یا نارضایتی عبور می‌کند، اثرات تجمعی آن عوامل اقلیمی و غیراقلیمی به درگیری ختم می‌شود.

هرچند درگیری‌های مرتبط با اقلیم در هر نقطه از جهان امکان رخ دادن دارد، اما براساس گزارش قبلی اندیشکده رند با عنوان «آینده پیش‌رو، گرم‌تر و خشک‌تر؛ ارزیابی تغییر اقلیم در فرماندهی مرکزی ایالات متحده» نشان داده بود که هر چه منطقه‌ای بیشتر تحت تاثیر تغییر اقلیم باشد خشک‌تر و در معرض گرمای شدیدتر و فرونشست‌های خطرناک‌تری خواهد



ایجاد مجدد پاسگاه و محیطبانی مهمترین و ضروریترین اقدام برای این منطقه است



خبر خوبی است که یک منطقه به رده منطقه حفاظت شده ارتقا پیدا کند ولی برای سیوک این خبر، آغازی برای اتفاقات مثبت نبود. نه تنها اتفاقی در رده حفاظتی آن رخ نداد بلکه عملاً بعد از چند سال پاسگاهی که در منطقه ساخته شده بود رها شد تا تخریب و بالطبع منطقه حفاظت شده رها شود. «سیوک» منطقه‌ای است که فقط نام «حفاظت شده» را یدک می‌کشد. نه دولت‌ها در سرنوشتش تاثیر داشتند و نه رفت و آمد مدیران مختلف.

«سیوک» مانده با انبوهی از مشکلات محیط زیستی و مردمی که عاشقانه دل به این خاک دارند و در هر آتش‌سوزی به دل آتش می‌زنند تا جنگل را نجات دهند.

«سیوک» سرزمین عجایب و مظلومترین منطقه حفاظت شده ایران. منطقه‌ای با وسعت ۱۲ هزار هکتار، یکی از مناطق هفت‌گانه محیط زیست است که با توجه به دارا بودن قابلیت‌های ارزشمند گیاهی و جانوری و وجود چشم‌اندازهای طبیعی، از نیمه دوم سال ۱۳۸۷ در دستور کار اداره کل حفاظت محیط زیست کهگیلویه و بویراحمد برای ارتقاء سطح قرار گرفت.

ندار جامعه منجر به خشونت بین‌گروهی ناشی از کمبود می‌شود. براساس منطق علی این فرضیه، از آنجایی که تغییر اقلیم باعث خسارات کشاورزی، بلایای زیست‌محیطی و از بین رفتن اکوسیستم‌های قابل سکونت، غذا، معیشت، سلامت و ناامنی فیزیکی می‌شود، امنیت در بخش‌های آسیب‌دیده جهان افزایش می‌یابد. این نظریه پیش‌بینی می‌کند که نظارت گسترده‌تر و خشم مردم نسبت به توزیع ناعادلانه منابع در جامعه به افزایش خشونت سیاسی کمک می‌کند.

در نتیجه به طور بالقوه منجر به درگیری و یا جنگ تمام‌عیار داخلی می‌شود. یکی دیگر از مکانیسم‌های علی «بازتوزیع غیرجهانی، نابرابری‌ها و در نهایت نارضایتی‌ها» است چون کمبود و سختی‌های ناشی از تغییر اقلیم منجر به تصاحب خشونت‌آمیز منابع می‌شود. به‌طور کلی کمبودهای ناشی از تغییر اقلیم بر همه افراد یکسان تاثیر نمی‌گذارد و اثر آن بین جوامع شهری و روستایی، بین ذینفعان محلی، منطقه‌ای، ملی و جهانی و بین داراها و ندارهای قومی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی متفاوت خواهد بود. و بدتر از همه اینکه خطر درگیری‌های جمعی در مناطقی که توسط گروه‌های قومی-سیاسی طرد شده سکونت دارند، تشدید می‌شود.

[هزینه‌های داغ تغییر اقلیم \(hammihanonline.ir\)](http://hammihanonline.ir)

تاخت و تاز متخلفان در «سیوک»

نویسنده: امید سجادیان

«سیوک» سرزمین عجایب و مظلومترین منطقه حفاظت شده ایران. دولت چهاردهم و رئیس جدید پردیسان فکری برای سیوک داشته باشند، بازسازی یا



شهرستان بویراحمد است و به لحاظ ارزشمندی با منطقه حفاظت شده «دنا» برابری می‌کند...

به علاوه عدم وجود پاسگاه، امکان زمین‌خواری در منطقه را فراهم کرده است. افرادی که شبانه جنگل‌ها را آتش می‌زنند و زمین‌های سوخته را تصرف می‌کنند. یکی از این زمین‌خواری‌ها در عزیزی دم‌چنار بود که اعتراض و تجمع مردم را به همراه داشت.

زنده‌گیری و شکار پرندگان در «سیوک»

همچنین «سیوک»، منطقه‌ای بی‌نظیر به واسطه تنوع پرندگان است، هر چند که متأسفانه زنده‌گیری و شکار آنها به یکی از مهمترین تعارضات منطقه بدل شده است. شکار و فروش هفت‌رنگ و کبک با تله از جمله این موارد است و شکارچیان ابایی از تیراندازی و شکار کبک و گراز و سایر گونه‌های حیات وحش ندارند.



«سیوک» سال‌هاست درگیر آتش‌سوزی‌های سهوی و عمدی است. بخشی از این آتش‌سوزی‌ها برای زمین‌خواری و تعارضات است بخش دیگری به دلیل آتش زدن پسماند کشاورزی، قاچاق چوب، گردشگری و افرادی که برای درآوردن عسل وحشی اقدام به آتش زدن جنگل می‌کنند. این آتش‌سوزی‌ها به دلیل نبود پاسگاه محیط‌بانی در برخی ارتفاعات صعب‌العبور تبدیل به بحران می‌شوند. / **پیام ما**

در نهایت طبق مصوبه شماره ۳۴۶ مورخ ۱۳۸۹/۹/۱۴ به عنوان منطقه حفاظت شده اعلان شد.

با وجود تمام ناملایمات، «سیوک» یکی از مناطقی است که حضور مردم در امر حفاظت بسیار بالاست و در سال‌های اخیر محلی‌ها خط مقدم مهار آتش هستند. همین علاقه و تعلق خاطر به سرزمین باعث شده است تا تشکل «نهضت سبز زاگرس» پنج تیم مردمی در بخش شمالی این منطقه آموزش داده و تجهیز کند تا در هنگام آتش‌سوزی به داد جنگل‌ها برسند. بستن مسیرهای دسترسی فرعی، ایجاد آتش‌بر، آموزش جوامع محلی بخشی از این اقداماتی است که این تشکل انجام داده است، فعالیت‌هایی که هر چند موثر است ولی کافی نیستند. مردم محلی به خاطر ارزش بالای این منطقه و سابقه آن با وجود وابسته بودن معیشت و دامداری‌شان (هر چند محدود) درخواست قرق منطقه را دارند.

آنها دیده‌اند از زمان اعلام «سیوک» به عنوان منطقه حفاظت‌شده، چه بلایی سر این منطقه آمده است. منطقه‌ای که طبق استانداردهای جهانی به ازای هر هزار هکتار یک محیط‌بان داشته باشد، به حال خود رها شده و کسی از آن حفاظت نمی‌کند. حتی اگر بپذیریم در ایران مسئله متفاوت است و ما با استانداردهای جهانی به لحاظ تعداد نیروهای محیط‌بان فاصله معناداری داریم اما آنچه در «سیوک» می‌گذرد، حتی با استانداردهای ایران هم سازگار نیست.

«سیوک» منطقه‌ای بی‌نظیر به نام محیط زیست ولی به کام سودجویان است، این جمله را مردم محلی که دل در گرو این منطقه دارند، بارها اعلام کرده‌اند. این در حالی است که «سیوک»، نگین



اخبار و مقالات خارجی

آتش‌سوزی در ازبیر ترکیه؛ ۴۰۰ هزار نفر در معرض خطر هستند



آتش‌سوزی در جنگل‌های ازبیر، پرجمعیت‌ترین استان ترکیه بعد از آنکارا و استانبول، از پنج‌شنبه ۲۵ مرداد / ۱۵ اوت آغاز شد و به دلیل گرمای هوا و وزش بادهای شدید با سرعت ۸۰ کیلومتر در ساعت، خیلی سریع به مناطق مسکونی و اداری تسری یافت. دود ناشی از آتش‌سوزی بر فراز شهرها آمده و بادهای شدید تلاش برای مهار آتش را دشوارتر ساخته است. به رغم اعزام ۵ هواپیما، ۱۵ هلیکوپتر، ۴۶ تانکر آب، ۱۰ خودروی تأمین آب، ۴ بولدوزر و ۱۴۰۰ نیروی زمینی آتش‌سوزی همچنان ادامه دارد .

زندانمری و پلیس ترکیه اقدامات امنیتی سرسختانه‌ای را اتخاذ کرده‌اند. جاده‌های منتهی به محل آتش‌سوزی بسته شده و بسیاری از ساکنین منطقه وادار به ترک خانه‌های خود شدند. ۱۶ خانه در حریق آتش سوخته است و تا کنون ۸۷ خانه و ۴۵ مرکز اداری تخلیه شده‌اند. وزارت بهداشت ترکیه اعلام کرده است که ۹۰۰ نفر از کارشیاکا و بایندر، واقع در ازبیر، از منطقه تخلیه شدند .

تاکنون هیچ جراحت جدی یا کشته‌ای از این حادثه گزارش نشده است. با این حال، نزدیک به ۱۰۰ نفر از آتش‌سوزی متأثر و مصدوم شدند که ۲۸ نفر از آنها در بیمارستان بستری شدند.

ترکیه طی چند روز اخیر با مجموعه‌ای از آتش‌سوزی‌های بزرگ دست‌وپنجه نرم کرده است.

۷۲ آتش‌سوزی در سرتاسر ترکیه شعله‌ور گشته که از آنها ۴۵ آتش‌سوزی تحت کنترل درآمده‌اند.

طی سال‌های اخیر آتش‌سوزی بزرگ در جنگل‌ها با گرمایش جهانی ناشی از سوخت‌های فسیلی افزایش چشمگیری داشته است. افزایش دمای هوا، خشکی مراتع و درختان، در کنار بادهای شدید منجر به شعله‌ور شدن بیشتر آتش می‌شود. وزیر محیط زیست ترکیه در شبکه اکس (توییتر سابق) پیشتر نوشته بود ماه ژوئیه امسال گرم‌ترین ماه طی ۵۳ سال اخیر در ترکیه بوده است. / رادیو زمانه

چه کسی از نظر قانونی مسئول آسیب‌های اقلیمی است؟

توی دادگاه اقلیمی می‌بینمت!

دیوان بین‌المللی دادگستری مسئولیت حقوقی کشورها را در قبال تأثیرات تغییر اقلیم روشن خواهد کرد. اگرچه این اقدام الزام‌آور نیست، اما نظر این دادگاه برای هزاران دعوای حقوقی اقلیم اهمیت دارد.

بارها و بارها گفته شده: علم مؤاخذه نمی‌شود.

غلطت بالای گازهای گلخانه‌ای در جو باعث گرم‌شدن سیاره می‌شود.



جهان تشکیل شده بود. بیشتر مدعیان این پرونده‌ها را افراد پیر و جوان، همچنین سازمان‌های مردمی تشکیل می‌دادند. همه به دنبال این هستند که دولت‌ها و شرکت‌ها را در قبال تعهدات اقلیمی خود مسئول بدانند. در سال ۲۰۲۲، هیئت بین‌دولتی تغییر اقلیم اذعان کرد که دعوای حقوقی اقلیمی «در صورت موفقیت، می‌تواند خواسته‌های کلی کشورها برای مقابله با تغییر اقلیم را افزایش دهد.» به عبارت «در صورت موفقیت» توجه کنید .

در این میان، تعداد انگشت‌شماری از قضاوت‌های مهم وجود داشته است. برای مثال، در ماه مه (اردیبهشت)، دادگاه‌های آلمان و بریتانیا به‌طور جداگانه دریافتند که سیاست‌های دولت آن‌ها، نمی‌تواند به اهداف کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای که در قانون تعیین شده است، دست یابد.

همان‌طور که جوآنا ستزر Joana Setzer و کاترین هیگام (Catherine Higham)، محققان مؤسسه گراتام در لندن، در گزارش خود نشان می‌دهند، اکثر مدعیان برای به‌دست‌آوردن یک نتیجه مثبت تلاش می‌کنند. بسیاری از دعوای اقلیمی در پیچ‌وخم فرآیند و رویه‌های قضایی فرو رفته است. در برخی موارد، پاسخ‌دهندگان که عمدتاً شرکت‌های تجاری هستند، در حال طرح دعوای متقابل هستند و اساساً قوانین اقلیمی را که دوست ندارند، به چالش می‌کشند .

این‌جاست که ورود به بالاترین قسمت زمین قضاوت جهان می‌تواند یک تغییر بازی باشد. در چند ماه آینده، دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ)، ارگان قضایی اصلی سازمان ملل متحد در لاهه هلند، استماع شواهدی را در مورد دو سؤال کلی آغاز خواهد کرد: اول، تعهدات



حقوق بین‌الملل نیز واضح است: براساس توافقنامه اقلیمی پاریس، کشورها متعهد شده‌اند که میانگین دما را در سطح ۱.۵ درجه سانتیگراد نسبت به میزان پیش از انقلاب صنعتی نگه دارند و باین‌حال، با ادامه افزایش انتشار گازهای گلخانه‌ای، افزایش دمای جهانی تقریباً به‌طور قطع از این حد فراتر خواهد رفت. جامعه پژوهشی، از بی‌توجهی، به هشدارهایش ناامید است. اگر کشورها بتوانند عملاً چنین هشدارهایی را نادیده بگیرند، یک توافقنامه الزام‌آور قانونی چه فایده‌ای دارد؟ برخی دانشمندان استدلال می‌کنند که اقلیم‌شناسان هم باید مانند فعالان اقلیمی عمل کنند. اما دیگران و چند دولت، معتقدند که باید همه‌چیز را از مسیر قانونی پیگیری کرد. از آنجایی که توافق پاریس فاقد مکانیزم اجرایی است، آن‌ها از دادگاه‌ها می‌خواهند که اطمینان حاصل کنند همه کسانی که در سطح ملی و بین‌المللی در قبال اقلیم زمین مسئولیت دارند، به وعده‌های خود پابند باشند و برای تحقق این خواسته در حال رفت‌وآمد به دادگاه بوده‌اند.

براساس گزارش مؤسسه تحقیقاتی تغییر اقلیم و محیط‌زیست «گراتام (Grantham)» که در ماه ژوئن (خرداد) منتشر شد، تا پایان سال گذشته میلادی، ۲ هزار و ۶۶۶ پرونده دعوای حقوقی اقلیمی در سراسر



کونوکوفیلیپس، اکسون و شل، همچنین شرکت‌های تابعه آنها اقدام قانونی کرد و از آنها خواست که «هزینه‌های اثرات اقداماتشان بر محیط‌زیست، سلامت و معیشت کالیفرنیاها را پردازند و به حفاظت از ایالت در برابر آسیب‌هایی که تغییر اقلیم در سال‌های آینده ایجاد خواهد کرد، کمک کنند».

دفتر دادستانی عمومی برزیل و مؤسسه برزیلی محیط‌زیست و منابع طبیعی تجدیدپذیر نیز به دنبال جبران خسارت به‌ویژه از انتشار گازهای گلخانه‌ای ناشی از جنگل‌زدایی غیرقانونی هستند.

دفتر دادستانی عمومی برزیل و مؤسسه برزیلی محیط‌زیست و منابع طبیعی تجدیدپذیر نیز به دنبال جبران خسارت به‌ویژه از انتشار گازهای گلخانه‌ای ناشی از جنگل‌زدایی غیرقانونی هستند. نظر دیوان بین‌المللی دادگستری، اگرچه الزام‌آور نیست، اما مهم خواهد بود؛ به‌ویژه برای کشورهای با درآمد پایین و متوسط که دسترسی نسبتاً کمتری به علوم تخصصی، سیاست‌گذاری و قوانین اقلیمی دارند.

نگرانی‌های دادخواهی

یکی از انتقادات به دعاوی اقلیمی، این است که دادگاه‌ها نباید در فرآیندهایی که اساساً سیاسی هستند درگیر شوند. بحث این است که اگر قوانین اقلیمی فاقد مکانیزم اجرایی باشد، پس دولت‌ها باید برای آن قانون وضع کنند. براساس این تصور، انجام کاری که وظیفه دولت‌هاست، نباید به‌عهد دادگاه باشد و این، نوعی تجاوز قضایی خواهد بود.

دادگاه‌ها و دیوان بین‌المللی دادگستری نیز به‌خوبی از این نگرانی‌ها آگاه هستند. رسیدگی قانونی، تنها یک ابزار در یک جعبه ابزار بزرگ‌تر از اقدامات است. در

کشورها در حقوق بین‌الملل برای حمایت از سیستم اقلیمی در برابر انتشار گازهای گلخانه‌ای با منشأ انسانی چیست؟ و دوم، زمانی که اقدام - یا عدم اقدام - کشورها باعث آسیب شود، عواقب قانونی آن برای دولت‌ها چه باید باشد؟

این می‌تواند یکی از مهم‌ترین تحولات در سیاست اقلیمی از زمان تنظیم توافق پاریس باشد. «عادل نجم (Adil Najam) رئیس سازمان غیردولتی صندوق جهانی حیات‌وحش (WWF)، در «ورد ویو (World View) می‌نویسد: «نظر دیوان بین‌المللی دادگستری صدای میلیون‌ها دانشمند و شهروندی را که خواستار تغییر و اقدام قوی در مورد حفاظت از اقلیم و طبیعت هستند، تقویت خواهد کرد».



این صداها شامل صدای افرادی است که علیه سبزشویی یا حمایت از تغییر اقلیم به‌عنوان یک حق بشری بحث می‌کنند. همچنین صدای مقامات دولتی است که به دنبال دریافت غرامت از شرکت‌ها برای آسیب‌های مربوط به اقلیم، ذیل اصل حقوقی «آلوده‌کننده پرداخت می‌کند» هستند. در سپتامبر (شهریور) گذشته، ایالت کالیفرنیا علیه پنج شرکت نفتی بزرگ جهان بریتیش پترولیوم، شورون،



سنگ و گاز تولید می‌کنند به دادگستری این کشور شکایت کرده‌اند.



آنها این شرکت‌ها را در گرمایش جهانی مسوول خوانده‌اند.

در نامه‌ای که از سوی این افراد و حامیان‌شان نوشته و روز پنج‌شنبه ۱۵ اوت به دفتر دادستان کل ایالات متحده ارسال شده آنها از مقامات قضایی خواسته‌اند که مسوولیت و نقش این شرکت‌های بزرگ آلاینده را در ایجاد بحران‌های آب و هوایی بررسی کنند.

کوئنتین اسکات، مدیر شبکه اقدامات اقلیمی گفته است: «به لطف تحقیقات کنگره و براساس یک میلیون سند به دست آمده از دهه ۱۹۵۰ تاکنون، شرکت‌های سوخت فسیلی از آسیب‌های ایجاد شده توسط محصولات‌شان آگاهی داشته‌اند».

سایت ار.اف.ای / RFI

جهت تماس با بولتن محیط زیست

bulletinenviro@gmail.com

نهایت، اقدامات اقلیمی در مقیاس و سرعت مناسب، تنها زمانی اتفاق می‌افتد که جامعه بین‌المللی متقاعد شود که بشر هیچ جایگزینی جز کربن‌زدایی به شیوه‌ای عادلانه ندارد؛ نه به‌خاطر تهدید پیگرد قانونی، بلکه به این دلیل که بقای جمعی ما به آن بستگی دارد. اما در این میان، قانون نقش کلیدی دارد و نظر دیوان بین‌المللی دادگستری، با حمایت شواهد و مدارکی با بالاترین استانداردها برای روشن‌شدن مسوولیت دولت‌ها در قبال آسیب‌های اقلیمی و تعهد آنها برای محافظت از محیط‌زیست در برابر انتشار گازهای گلخانه‌ای ضروری است. / [سایت پیام ما](#)

شکایت قربانیان تغییرات اقلیمی از شرکت بیگ اوپل در آمریکا

حدود هزار نفر از قربانیان بلایای اقلیمی در ایالات متحده خواستار تحقیقات درباره مسوولیت شرکت نفتی «بیگ اوپل» به عنوان یکی از شرکت‌های آلاینده و تاثیر آن در تغییرات آب و هوایی شدند.

بیش از هزار قربانی بلایای آب و هوایی در ایالات متحده تلاش می‌کنند تا صنعت نفت را با مسوولیت خود در قبال تغییرات آب و هوایی مواجه کنند.

به همین دلیل آنها از وزیر دادگستری این کشور خواسته‌اند تا درباره شرکت‌های آلاینده تحقیقات انجام دهند.

این افراد که در اثر این حوادث از جمله آتش‌سوزی‌های مکرر یا طوفان و سیل، بارها مجبور به تخلیه منازل خود شده یا بخشی از اموال خود را از دست داده‌اند، از شرکت‌هایی که سوخت‌های فسیلی مانند نفت، زغال